

بسمه تعالی

رشد و تربیت انسان از قبل تولدش آغاز می شود و لحظه ی مرگش پایان می گیرد. قبل از این که حتی پدر و مادر ما با همدیگر ازدواج کنند مراسم افتتاحیه ی رشد و تربیت ما آغاز شده است لذا بخشی از تربیت ما و شما قهریست در اختیار ما نبوده در اختیار دیگران بوده قهریست. آنها باید همسر و کفوشان را با نگاه به تربیت نسلشان انتخاب می کردند. آنها باید آغازین روزهای زندگی را با توجه به تربیت نسلشان رقم می زدند. آنها باید حتی زمانی که به فکر انعقاد نطفه افتادند به گونه ای برنامه ریزی کنند که تربیت را هدف قرار دهند آنها باید در دوران بارداری و دوران شیرخواری و دوران طفولیت بزرگترین همتشان تربیت باشد. اما از لحظه ای که من به سن تکلیف می رسم تقریبا تربیت اختیاری من شروع می شود و قطع و یقین بدانید تا پایان روزهای زندگی یا به عبارت بهتر تا پایان بازی دنیا، چون در روایات زیادی از دنیا به بازی تعبیر شده است، انما حیات الدنيا لعب و لهو و زینت و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد همه ی دنیا یک بازیست و یک سوت پایان همدارد: مرگ سوت پایان بازیست که وقت اضافه هم ندارد.

بزرگترین مشکل ما در مباحث تربیت مشکل انگیزشی است هنوز انگیزه ی تربیت پیدا نکردیم هنوز ثمرات تربیت را باور نکرده ایم هنوز نتیجه ی تربیت را در حیات دنیوی و اخروی خودمان ندیده ایم هنوز نمیدانیم که اگر تربیت دینی بشویم چگونه از جهالتها و ضلالت ها نجات پیدا میکنیم. ما دائم در زندان جهالتها و گرداب ضلالتها گرفتاریم و تا تربیت نشویم از اینها تیرون نخواهیم آمد تربیت را هم چنین معنا می کنیم. انگیزه ی بحث اگر قوی شود نکات بعدی که متعاقب بر انگیزه است قطعا بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت ما هنوز نمیدانیم که امام زمان (ع) حجه الاسلام تنها نمی خواهد عالم حوزوی و دانشگاهی تنها نمی خواهد امام زمان انسان تربیت شده می خواهد ما هنوز نمی دانیم فارغ التحصیل دانشگاه دنیا هیچ کس جز انسان تربیت شده نخواهد بود. همه از کنکور مرگ رد خواهند شدند اما معلوم نیست چه کسانی با مدرک فارغ التحصیلی رد شده باشند بسم الله الرحمن الرحیم والعصر ان الانسان لفی خسر قسم خدا ست همه ی شما در دایره ی خسارتید خسارت هم سه معنا دارد: زمانی انسان ضرر میکند زمانی سود نمی کند زمانی هم کم سود می کند همه ی اینها مراتب خسارت است. خدا قسم می خورد: قسم به عصاره ی خلقت، حضرت محمد(ص) همه ی شما در خسارتید مگر این که تربیت شده باشید و تربیت یعنی امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. تواصی به حق و تواصی به صبر یعنی چه؟

طلا و مطلا در یک جا رقابتشان نابرابر میشود. در چشم مردم مطلا برنده است گاه مطلا زیباتر از طلا هم هست اما در یک جا طلا برنده می شود و آن زمانی است که طلا و مطلا با هم در کوره ی آتش می روند. امام حسین و یزید بن معاویه سالها با هم جنگیدند ده سال با هم جنگ غیر مستقیم داشتند اما کوره ی کربلا نشان داد چه کسی تربیت شده است. ما معنایی که برای تربیت می کنیم این است کسی تربیت شده است که اگر در کوره ی عاشورا و کربلا رفت سرفراز بیرون بیاید. امام زمان تربیت شده می خواهد قرآن از ما تربیت می خواهد خلق الموت و الحیات لیلو کم ایکم احسن عملا من از شما تربیت می خواهم باید شما در رسالتهای عالم هستی بهترین باشید حالا که خدا بهترین خداست ما هم بهترین بنده باشیم حال که پیامبر بهترین پیامبران و خاتم پیامبران است ما بهترین پیرو باشیم حال که امام زمان بهترین امام است ما بهترین

ماموم باشیم حال که شهدا بهترین الگو هستند ما بهترین استفاده کننده از این الگو باشیم این ها جز به تربیت مستمر محقق نخواهد شد. امام زمان از ما تربیت می خواهد.
انتظارات ائمه از ما چند چیز است که با تربیت می توان آنها را فهمید:

۱. تکالیفمان را خوب بشناسیم و عمل کنیم.

اگر تربیت شویم هیچگاه به رفع تکلیف فکر نمی کنیم و تنها به فکر دادن آمار و گزارش نخواهیم بود ما باید به بسط تکلیف فکر کنیم شاخه ها و زیر شاخه های تکلیف من بسیار زیاد است
۲. گناه نکنیم و استغفار زیاد بکنیم.

انسانها زمانیکه بزرگ میشوند گناههای بزرگ هم میکنند چراکه تربیت نشده اند. چرا کسی که در حوزه و دانشگاه و بسیاری از کلاسهای اخلاق بوده است زمانی که به مقامی می رسد مست می شود؟ چون تربیت نشده تربیت یعنی مست نشدن با آنچه که متعلقات دنیا محسوب می شود (ثروت، شهوت، قدرت، شهرت)

ما دانای به دین داریم ، مشکل ما در دارایی است دین دار کم داریم. اگر دهان ببندیم و نتوانیم با زبان دینداری خودمان را ثابت کنیم کجای عمل ما نشان از دینداری دارد؟ اینها باید با تربیت محقق شود.

مثلث تربیت دینی سه ضلع دارد: دانای به دین. دارای دین و ایثار و فداکاری برای دین لذا اسمش را دیندان و دیندار و دین بان گذاشتیم بسیاری دیندار هستند اما برای دینشان اهل خرج کردن نیستند. اهل نمازند، اهل تهجدند، اهل ذکرند اما زمان خرج کردن که می شود جا می زند زمانی که کوره ی ابتلا پیش می آید خراب می کنند ما تربیت را در منابع دینیمان اینگونه معنا میکنیم . خلاصه ی تربیت این است که اولاً من مست نشوم ثانیاً وابسته هم نشوم چون وابستگی درجه ی پائین مست شدن است.

همه ی این مباحث را برای انگیزه بیان کردم. ما باید باور کنیم کم داریم تا انگیزه ی حرکت پیدا کنیم ما زمانی انگیزه پیدا می کنیم که به ثمراتش پی ببریم و تشنه ی این ثمرات شویم. گاه انسان اینقدر ظرفیتش کم است که با کوچکترین مسئولیتی خودش را گم می کند چرا که تربیت نشده است. امام زمان انسان تربیت شده می خواهد که اگر دنیا دنیا ثروت به دستش بیاید اصلاً عوض نشود لکیلا تاسوا علی مافاتکم و لا تفرحوا بما اتاکم این معنی تربیت است به آنچه به دست آورده ام مغرور نشوم و به آنچه از دست داده ام ناامید نشوم خدابنده ی با تربیت می خواهد امام زمان یار با تربیت می خواهد جمهوری اسلامی مدافع با تربیت می خواهد ولایت فقیه مدافع با تربیت می خواهد شهدا پیام رسان با تربیت می خواهند خودمان هم به آدم با تربیت فکر می کنیم می خواهیم با تربیت باشیم می خواهیم بهترین و بزرگترین باشیم ولی فرمولش را نمی دانیم راهکارش را نمی دانیم و اگر واقعا به درجه ای برسیم که دلمان به حال خودمان بسوزد به دنبال پیدا کردن فرمولش می رویم که برای پیدا کردن تربیت ابتدا باید نگاه انسان به عالم عوض بشود- نباید فقط دنیا را دید- در مرحله ی دوم معادلات فکری انسان تغییر می کند بعد منافع و ضررهای انسان شکل دیگری پیدا می کند بعد نیازها تغییر می کند و نهایتاً رفتارش رفتار زیبایی خواهد شد و برای

رسیدن به این نقطه باید مسیری را برای خود تعریف کند استادی مشخص کند که بهترین استاد آیات و روایات است بهترین استاد نهج البلاغه است .
برخی از ثمرات تربیت عبارتند از:

اگر تربیت شدیم در گروه آخر یعنی گروه سابقون قرار می گیریم.
قرآن انسانها را به چهار دسته تقسیم میکند: ملعون، مغبون، مغبوط، والسابقون
ملعونین یک سیر نزولی دارند
مغبونین یک روند ایستا دارند من ساوی یوماه فهو مغبون
مغبوطین یک روند رو به رشد دارند و مورد غبطه ی دیگرانند
و السابقون از دیگران پیشی می گیرند و استبقوا الخیراتند فهمیده اند در دنیا هم می توان روزمزدی
زندگی کرد هم کنتراتی شهدا کنتراتی زندگی کردند عمرشان بسیار کوتاه بود اما برکاتش بسیار زیاد
بود شهدا از همه جلو زدند چراکه تربیت شده بودند تربیت همیشه مستلزم سواد نیست تربیت مستلزم
درک است درک گاه با درس می آید گاه از راه دیگر.

۱. من اگر تربیت شدم می فهمم سه سفره در عالم پهن است که این سه سفره در رمضان نمود
بیشتری دارد قد اقبلح علیکم شهر الله به بلابرکت و رحمته و مغفره
این سه سفره ای که در رمضان فوق العاده استفاده می توان کرد در غیر رمضان نیز پهن است انسان
تربیت شده نهایت استفاده را از سه سفره می برد سفره برکت، رحمت، مغفرت زمانی که از سفره برکت
استفاده می کنیم کلامم با برکت می شود نگاهم با برکت می شود. بزرگان قدیم چه کار می کردند که
وقتی به آدم نگاه می کردند آن شخص عوض می شد. یا با یک کلمه حرف تاثیرگذار بودند. پول، قلم ...
بابرکت است همه ابعاد وجودشان با برکت بود.

چرا ما ایقدر بی برکت هستیم من اگر تربیت را دوست دارم و به تربیت فکرمی کنم نتیجه تربیت با
برکت و با خاصیت شدن است

چه کار کنیم با برکت شویم؟ امام رضا(ع) در حدیث قدسی که امام رضا(ع) نقل می فرمایند که خداوند
فرمود هر کس نسبت به من طاعت داشته و ترک معصیت نماید من به او برکت می دهد و لیس لبرکتی
نهایه کلید برکت طاعت و ترک معصیت است. من هنوز نمی دانم طاعت و معصیت من در جایگاههای
مختلف چگونه است. من هنوز نمی دانم یک خلف وعده و یا یک بی ادبی ممکن است معصیت باشد.
فکر می کنیم معصیت این است که خانمی بدون چادر بیرون بیاید و یا آقایی در خیابان کار زشتی انجام
بدهد. ما هنوز معصیت را برای خودمان معنا نکردیم. چون به فکر بسط این تکلیف نبودیم. شناخت
طاعت و ترک معصیت (همانا که امام زماندر دعای معروفشانمی فرمایند زیاد نخوانید اللهم رزقنا توفیق
طاعه و بعد المعصیه) تا معصیت شناس نباشم بعد معصیت که معنا ندارد. من هنوز نمی دانم که بعضی
از نگاهیمان به همدیگر معصیت است نه نگاه به نامحرم؟ نه بلکه نگاه به محرم. در روایات داریم، بعضی
وقتها با نگاهمان دیگران را آزار می دهیم و این معصیت است. لذا احتیاط نمی کنیم. از آنجایی که در
ماه رمضان سفره طاعت بیشتر بوده و به برکت این ماه سفره معصیت جمع شده به همین دلیل این ماه
را ماه برکت می گویند. من می توانم همه لحظاتم را رمضان کنم.

من اگر تربیت شدم از سفره رحمت هم بیشتر استفاده می کنیم. کلید سفره رحمت احسان است ان رحمه الله غریباً من المحسنین ، من اصلاً نمی دانم احسان چیست احسان را اینقدر کوچک کردیم فقط به دوباری که در خیابان صدقه می دهیم اکتفا می کنیم باید همه وجود من برای دیگران منع خیر باشد چون بنابر نقل از پیامبر اکرم(ص) که پرسیدند بهترین مردم چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند(خیر الناس انفع الناس) کسی که برای مردم فایده داشته باشد بزرگترین امداد الهی این است که به فکر و نگاه ما مدد می کند و باز کند و برکت دهد فکر من برای دیگران گره گشاه باشد.

چرا بعضی ها این طور می شوند؟ (شهید باقری که گرههای جنگ با دستان او باز می شد) چون اهل طاعت و ترک معصیت بود چون اهل احسان بود.وقتی اهل احسان باشد وجود انسان رحمت می شود. در زیارت جامعه سراسر وجود اهل بیت عصمت و طهارت رحمت است که حتی یک لحظه قطع نمی شود منبع لطف برای همه ، حتی برای دشمنان.

اگر دوست داشته باشم از سفره مغفرت نیز استفاده کنم باید تربیت شوم. کلید مغفرت استغفار و توبه است من باید معنای استغفار را بدانم همه بنابر نقلی این روایت را از حضرت امیر شنیدیم که :زمانیکه مردی را دید که میگفت استغفرالله الیه ربی و اتوبه الیه حضرت فرمودند مادرت به عزایت بنشید فکر کردی که استغفار لغلغه زبان است آن مرد از حضرت درباره استغفار سوال کرد حضرت فرمود استغفار پنج شرط دارد ۱- پشیمان شدن از گناه ۲- تصمیم بگیرم که برنگردم ۳- برنامه ریزی کنم که حق الله وحق الناس است ۴- این گوشت و پوست که از راه حرام رویده آب کنیم ۴- آن قدر خود را به سختی طاعت و خدمت به مردم بیندازم تا شیرینی های گناه یادم برود . کسی که دنبال تربیت است هم دنبال این است که از سفره برکت استفاده کند با طاعت و ترک معصیت و از سفره رحمت نهایت استفاده رami کند با شناخت ابعاد احسان ، و از سفره مغفرت نیز استفاده می کند بافهم درست استغفار علما سه شرط اول توبه را شرط قبول توبه و دو شرط بعد را شرط کمال توبه می دانند.